


سیاست خارجی متوازن و دیپلماسی دوجانبه افغانستان

(دوره دوم امارت اسلامی افغانستان)

نگارنده: کاکه تاجیک محمدی* 

چکیده

کشورها در عرصه بین‌الملل برای به دست آوردن حداکثر امتیازات و داشتن روابط و تعامل حسنه با سایر کشورها و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و جهانی، که باهم رقابت دارند، به اتخاذ سیاست خارجی متوازن می‌پردازند. اتخاذ سیاست خارجی متوازن مانع از تبدیل شدن کشور اتخاذکننده این سیاست به میدان رقابت و جنگ‌های نیابتی بین کشورهای دیگر می‌شود. امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن توانسته است در عرصه دیپلماسی دوجانبه با بعضی از کشورها ارتباط داشته باشد. حال پرسش این است که اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی افغانستان در دیپلماسی دوجانبه این کشور با سایر کشورها چه دست‌آوردی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش از منابع کتاب‌خانه‌یی و به روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن در دیپلماسی خود موفق بوده و توانسته با قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و جهانی باوجود رقابت، روابط و تعامل حسنه داشته، بعضاً دیپلماتانی را نیز به این کشورها فرستاده است.

واژه‌گان کلیدی: سیاست خارجی متوازن، امارت اسلامی افغانستان، دیپلماسی دوجانبه.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441


Ghalib

Received: 04/ 12/ 2022

Accepted: 13/ 03/ 2023

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V40.I1.7>

Balanced Foreign Policy & Afghanistan Bilateral Diplomacy (I.E.A Second Period)

Author: Kake Tajik Mohammadi* 

Abstract

In the international arena, countries adopt a balanced foreign policy in order to gain maximum points and have good relations and interaction with other countries, especially the big regional and global powers, who compete with each other. Adopting a balanced foreign policy prevents the country adopting this policy from becoming a field of competition and proxy wars between other countries. By adopting a balanced foreign policy, the Islamic Emirate of Afghanistan has been able to establish relations with many countries in the field of bilateral diplomacy. Now the question is, what has the adoption of a balanced foreign policy by the Islamic Emirate of Afghanistan achieved in this country's bilateral diplomacy with other countries? To answer this question, library sources and analytical-descriptive method have been used. The findings of the research show that the Islamic Emirate of Afghanistan has succeeded in adopting a balanced foreign policy in its diplomacy and has been able to have good relations and interaction with major regional and global powers despite the competition, sometimes it has sent diplomats to these countries.

Keywords: Balanced Foreign Policy, I.E.Afghanistan, Bilateral Diplomacy.

* Researcher, Center for Strategic Studies (CSS), MoFA, Kabul, Afghanistan (tajikkake@gmail.com)

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License



۱. مقدمه

امارت اسلامی افغانستان در راستای رسیدن به اهداف خود و جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به میدان جنگ‌های نیابتی قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و جهانی، تلاش کرده است تا سیاست خارجی متوازن را به‌عنوان راه‌بردی در سیاست خارجی برگزیند. در این راستا موفقیت‌هایی نیز داشته است. از جمله موفقیت‌های امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن، موفقیت در دیپلماسی دوجانبه بوده است؛ بدین معنا که این کشور توانسته است با قدرت‌های بزرگ که باهم در بسیاری از حوزه‌ها رقابت داشته و افغانستان را هم به میدان رقابت بین خود تبدیل کرده بودند، وارد تعامل و ارتباط شده و توازن را در روابط بین این قدرت‌ها حفظ نماید، که این خود باعث شده است حداکثر استفاده را برده و بعضی از قدرت‌ها با افغانستان وارد تعامل شوند و نماینده‌گان امارت اسلامی افغانستان در نمایندگی‌های سیاسی این کشور به فعالیت آغاز نمایند و به شهروندان خدمات ارائه کنند.

با روی کار آمدن مجدد امارت اسلامی افغانستان و به دست گرفتن قدرت، مقامات این کشور در سیاست خارجی، روی کرد سیاست خارجی متوازن را برگزیدند، باگذشت یک سال و اندی از این حکومت ضروری است تا به ارزیابی کارنامه سیاست خارجی این کشور با اتخاذ سیاست خارجی متوازن پردازیم.

باتوجه به جدیدبودن این تحقیق، تاکنون پژوهشی مستقل در این زمینه نشده است؛ اما در کتابی تحت عنوان «امارت اسلامی افغانستان: دست‌آوردها و فعالیت‌های یک‌ساله وزارت امور خارجه» به روابط دوجانبه افغانستان با سایر کشورها پرداخته است؛ اما در مورد این که در این مدت اتخاذ این سیاست چه دست‌آوردهایی را برای امارت اسلامی افغانستان داشته است، اشاره‌یی نشده است. هم‌چنین در ژورنال شماره ۵۳-۵۴ مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان، دو مصاحبه از معینان سیاسی و مالی و اداری این وزارت موجود است، که به پیامدهای سیاست خارجی متوازن اشاره شده است و در مورد رقابت کشورهای دیگر اشاره نشده است. هدف این پژوهش، بررسی کارنامه یک‌ساله دست‌گاه دیپلماسی کشور در برقراری روابط با سایر کشورها می‌باشد و این که اتخاذ سیاست خارجی متوازن چه دست‌آوردی در عرصه دیپلماسی دوجانبه داشته است.

در این پژوهش با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌یی و به روش تحلیلی-توصیفی برای پاسخ به این پرسش که امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن در عرصه دیپلماسی دوجانبه چه دست‌آوردهایی داشته است؟ می‌پردازیم.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که اتخاذ سیاست خارجی متوازن باعث شده است تا امارت اسلامی با قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی، که با یکدیگر رقابت دارند وارد تعامل شده و روابط حسنه داشته باشد و به بسیاری از کشورها با وجود عدم شناسایی رسمی دیپلمات بفرستد.

۲. مفهوم دیپلماسی

دیپلماسی به معنای هدایت روابط بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد. این واژه ضمن مترادف بودن با سیاست خارجی، به کارگذاران رسمی یک مملکت، که مسؤولیت اجرای تصمیم‌های مربوط به سیاست خارجی را می‌گیرند به کار برده می‌شود (خالوزاده، ۱۳۹۳: ۱۱). دیپلماسی، دانش و هنر مذاکره است. دیپلماسی، دانش است؛ زیرا دیپلمات باید بر روابط سیاسی و هم‌چنین حقوق بین‌الملل؛ مانند پیمان‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و احکامی که کشور متبوع یک طرف آن می‌باشد، آگاهی داشته باشد. دیپلماسی هنر است؛ زیرا ملاک این رشته امور بین‌المللی بوده که باید دقت عمل و ظرفیت‌های کلامی و رفتاری، اقناع طرف مقابل، تصمیم‌گیری عقلانی بر مبنای منافع ملی کشور در نظر گرفته شود (امان، ۱۳۹۹: ۱۰).

در گذشته، دیپلماسی بیش‌تر به موضوعاتی هم‌چون روابط شخصی و خانواده‌گی پادشاهان دو کشور با یکدیگر یا مسأله جنگ و صلح مربوط می‌شد؛ اما اکنون به موضوعاتی؛ مانند روابط تجاری، مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آن‌ها با سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد. دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چهارچوب دکترین سیاست خارجی هر کشور است (صباغیان، ۱۳۸۶: hamshahrionline).

۳. دیپلماسی دوجانبه

منظور از دیپلماسی دوجانبه، همان روابط دوجانبه‌یی است که بین دو کشور مستقل برقرار است. این روابط ممکن است در حوزه‌های مختلف؛ مانند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و غیره باشد. کشورها در حوزه روابط بین‌الملل پس از شناسایی و برقراری روابط دیپلماتیک با یکدیگر روابط دوجانبه برقرار می‌کنند، که به آن دیپلماسی دوجانبه نیز گفته می‌شود.

۴. سیاست خارجی متوازن

با وجود این که کشورها استراتژی سیاست خارجی متوازن را در روابط با سایر کشورها اتخاذ می‌کنند؛ اما تاکنون از سیاست خارجی متوازن تعریف مشخصی ارائه نشده است. سیاست خارجی متوازن به دنبال توسعه متوازن در کشور است. کشور اتخاذکننده سیاست خارجی متوازن در تلاش

توسعه هرچه بیش تر روابط و تعامل خود در سطح بین الملل است و تلاش می کند بیش ترین امتیازات را کسب کند. این سیاست به سیاست خارجی انزوآگرایانه و بی طرفی شباهت دارد؛ اما با آن تفاوت دارد.

جیمز مونروئه در سال ۱۸۲۳ برای حل مشکلات داخلی امریکا، سیاست خارجی انزوآگرایی را اتخاذ نمود. در این راستا روابط خارجی امریکا را به حداقل کاهش داد. از کانون های قدرت دوری جست. در تعارضات بین المللی درگیر نشد، تلاش نمود تا مانع مداخله قدرت های اروپایی در امور داخلی امریکا شود. عدم عضویت در نهادهای بین المللی و درنهایت مخالفت با سیاست های استعماری را برگزید (William & Robert, 2004: 13-21).

عدم عضویت در نهادهای امنیتی منطقه ای و جهانی، عدم اتخاذ سیاست های امنیت محور و نظامی و... سیاست خارجی متوازن را با بی طرفی، که شاخص هایی؛ مانند روابط نیک با همسایه گان، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، علاقه مندی به درک متقابل، عدم حضور در ائتلاف های نظامی و... پیوند می دهد (Rahmanov, 2022: 137).

از لابه لای مباحثی که در مورد سیاست خارجی متوازن شده است، می توان دریافت که بیش تر تمرکز به پیامدهایی که اتخاذ این سیاست برای کشور دارد اشاره نمود؛ بنابراین، در مورد افغانستان نیز این مسأله صادق می باشد؛ یعنی در بیانات رهبران و مقامات امارت اسلامی افغانستان بیش تر بر پیامدها تمرکز شده است؛ به گونه مثال، معین سیاسی وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان، شیرمحمد عباس ستانکزی در مورد سیاست خارجی متوازن در مصاحبه ای چنین گفته است:

با مطالعه سیاست خارجی افغانستان در یک صدسال اخیر، متوجه می شویم که حکومت ها در افغانستان یا به سمت شرق تمایل داشته اند یا این که به سمت غرب تمایل پیدا کرده اند و این به این معنا است که توازن در سیاست خارجی وجود نداشته است. با مطرح شدن سیاست خارجی متوازن، یعنی با تمامی کشورها روابط حسنه و دوستانه داشته باشیم و این روابط باید طبق منافع ملی کشور باشد. با قدرت های بزرگ منطقه ای و جهانی که باهم رقابت دارند باید روابط وجود داشته باشد و در این روابط توازن را در نظر بگیریم تا مانع تبدیل شدن کشور به میدان رقابت و جنگ های نیابتی بین آنان شویم (۱۴۰۱: ۱۶۴-۱۶۵).

همچنین رحمت الحق فضیل، معین مالی-اداری وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان در مصاحبه ای چنین بیان می کنند: «کشورها برای این که بتوانند به توسعه دست یابند، نباید در رقابت بین کشورهای دیگر دخالت کنند. سیاست خارجی متوازن، پیامدهایی مانند مانع دشمن تراشی، توسعه اقتصادی و امنیتی و غیره می شود» (۱۴۰۱: ۱۷۸).

باتوجه به مباحث مطرح شده در بالا، می‌توان گفت: هرچند از سیاست خارجی متوازن تعریف واحد و منسجم ارائه نشده؛ اما باتوجه به شاخص‌ها و ویژه‌گی‌ها و پیامدهای آن، می‌توان برای آن شاخص‌هایی؛ مانند دوری از رقابت بین کشورها، به‌خصوص قدرت‌های بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، روابط خوب با همسایه‌گان، سیاست مثبت و فعال در تعاملات بین‌المللی، روابط با بازیگران مختلف منطقه‌وی و بین‌المللی بادر نظر داشت منافع کشور را بر شمرد. با اتخاذ سیاست خارجی متوازن، توازن و روابط حسنه با کشورها و قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و جهانی فراهم می‌شود و این تعامل، باعث رشد و پیش‌رفت شده و توجه جامعه جهانی را به افغانستان در خود معطوف می‌کند.

شاخص‌های این روی‌کرد را در سیاست خارجی به‌صورت زیر می‌توان نام برد:

۱. اولویت امنیت سراسری در داخل کشور؛
۲. عدم استفاده از خاک افغانستان علیه سایر کشورها؛
۳. روابط و تعامل مثبت با همه کشورها؛
۴. هم‌کاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای تحقق صلح و امنیت بین‌الملل (آخذزاده، الف ۱۴۰۱: ۳).
۵. بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه‌یی برای توسعه افغانستان و منطقه؛
۶. استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیکی افغانستان برای اتصال طرح‌های اقتصادی منطقه‌یی و بین‌المللی (آخذزاده، ب ۱۴۰۱: ۳).

۵. سیاست خارجی متوازن افغانستان و دیپلماسی دوجانبه

کشورها طبق منافع ملی خود و برای دستیابی به اهداف خود در سیاست خارجی، راه‌بردهای مختلفی را بر می‌گزینند. از جمله راه‌بردهای سیاست خارجی که در این اواخر بسیاری از کشورها آن را انتخاب می‌کنند تا مانع از تبدیل شدن به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی شوند، سیاست خارجی متوازن است. انتخاب این سیاست باعث خواهد شد که کشور انتخاب‌کننده این سیاست ضمن این‌که به میدان رقابت قدرت‌های دیگر تبدیل نمی‌شود با هر دو قدرت نیز روابط برقرار نموده و اهداف خود را در سطح بین‌الملل دنبال نماید.

پس از روی‌کار آمدن مجدد امارت اسلامی در افغانستان، سیاستی را که این کشور انتخاب نمود، سیاست خارجی متوازن بوده است. انتخاب این سیاست خارجی در افغانستان باعث شده است تا این کشور با بعضی از کشورها وارد تعامل شده و روابط دیپلماتیک برقرار نماید. از جمله قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و جهانی؛ مانند ایالات متحده، روسیه، هند، چین، پاکستان، ایران و عربستان، که در این

قسمت رقابت بین کشورها به گونه مختصر بررسی شده و تعامل امارت اسلامی با اتخاذ سیاست خارجی متوازن را نیز شرح می‌دهیم:

۵-۱. تعامل با ایالات متحده و روسیه

بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون، روابط بین ایالات متحده و روسیه از موضوعات مهم در نظام بین‌الملل می‌باشد، که بر نظام بین‌المللی تأثیرگذار است. تأثیرگذاری این روابط تنها مختص به نظام بین‌الملل نشده است و روابط بین کشورها را نیز متأثر ساخته است.

افغانستان یکی از کشورهای نظام بین‌الملل است، که روابط بین دو قدرت بزرگ جهانی نیز آن را متأثر ساخته است. این دو کشور در افغانستان نیز در مقاطعی با یکدیگر هم‌کاری داشته و در مقاطعی نیز باهم رقابت نموده‌اند.

روسیه پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خود را میراث‌دار شوروی دانسته و به دنبال احیای امپراتوری شرق بود؛ اما ایالات متحده به خاطر برتری به شوروی سابق، حق خود می‌دانست تا بر جهان به‌تنهایی سیطره داشته و به‌عنوان تنها هژمون جهان شناخته شود (عسکری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

در روابط بین دو کشور در دهه ۱۹۹۰ م موضوعاتی مانند برخورد منافع دو دولت در هم‌کاری‌های دوجانبه با کشورهای خارجی نزدیک، صادرات اسلحه و تکنالوژی به کشورهای جهان سوم دارای اهمیت بوده و بر روابط بین دو کشور تأثیرگذار بودند (اردستانی، ۱۳۹۲: ۱۳).

بعد از حادثه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ م؛ و حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان، هم‌کاری بین دو کشور در قالب مبارزه با تروریسم افزایش پیدا کرد؛ اما در سال ۲۰۰۳ م؛ و حمله آمریکا به عراق، روابط بین این دو کشور به تنش گرایید و خروج آمریکا از پیمان ضد موشک‌های قاره‌پیما روابط بین دو کشور تیره شد؛ هم‌چنین عواملی مانند حمایت آمریکا از انقلاب‌هایی در حیات خلوت روسیه، مذاکره بر سر استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی و سخنان تند پوتین در اجلاس امنیتی مونیخ، موجب جنگ اوسیتیا در سال ۲۰۰۸ م. شده و روابط بین دو کشور را تیره ساخت (عطایی و تفتیان، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

روسیه و ایالات متحده در ابتدای دهه ۹۰ میلادی با یکدیگر هم‌کاری داشتند؛ اما در اواخر این دهه روابط دو کشور به‌سوی رقابت پیش رفت؛ پس‌ازاین دهه، هم‌کاری‌های راه‌بردی که بین دو کشور بود، کم‌کم به‌سوی رقابت پیش رفت و در سال ۲۰۰۳ م. میلادی به تنش گرایید؛ به‌گونه‌یی که روابط بین دو کشور از این سال به بعد، به مرز رویارویی در بحران اوسیتیا در سال ۲۰۰۸ م. پیش رفت؛ اما از سال ۲۰۰۹ م. روابط بین دو کشور به سمت هم‌کاری‌های استراتژیک پیش رفت (کرمی،

۱۳۹۰: ۷۳). روابط بین دو کشور بر سر بحران اوکراین و حمله روسیه به این کشور در این اواخر، به تنش گراییده است.

این دو کشور در حوزه خاورمیانه با یکدیگر نیز رقابت داشته‌اند. روسیه برای مقابله با نفوذ امریکا در خاورمیانه، که در خلال بحران لیبی و مصر، پیوستن اوکراین به ناتو، موضوع سپر دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی و غیره رسماً وارد بحران سوریه شد و به حمایت سیاسی و نظامی از دولت بشار اسد پرداخت. این حمایت‌ها و برخی دیگر از اقدامات روسیه مانند الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه، روابط بین دو کشور را متشنج ساخت (محمودی، ۱۳۹۷: <https://www.iess.ir/fa/report/1343>).

علاوه بر موضوعات فوق و رقابت دو کشور در مناطق مختلف، افغانستان نیز یکی از حوزه‌های رقابت بین ایالات متحده و روسیه می‌باشد. این دو کشور از زمان حمله شوروی سابق به افغانستان تاکنون باهم رقابت دارند. امریکا برای شکست شوروی به افغانستان و مجاهدان این کشور کمک‌های تسلیحاتی و مالی می‌کرد تا مانع از نفوذ و گسترش شوروی به آب‌های گرم و اروپا شود، که این خود باعث خروج شوروی از افغانستان شد؛ اما پس از حضور نیروهای امریکایی در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ م. این دو کشور ابتدا با یکدیگر هم‌کاری داشتند تا علیه مبارزه با تروریسم هم‌کاری نمایند (سجادی، ۱۴۰۰: [dailyafghanistan](http://dailyafghanistan.com)).

اما با گذشت زمان، روسیه نارضایتی خود را از حضور امریکا در افغانستان اعلام کرد. این نارضایتی پس از توافق‌نامه امنیتی کابل - واشنگتن در سال ۲۰۱۴ م. بیش‌تر شد. ابتدا روسیه حضور نظامی و صرف هزینه‌های مالی این کشور را در افغانستان^۱ به نفع خود می‌دانست؛ اما درعین حال علاقه نداشت افغانستان به‌عنوان میدانی برای یک‌تازی امریکا تبدیل شود. روسیه حضور دائمی نیروهای امریکا و ناتو را در نزدیکی مرزهای خود (کشورهای آسیای مرکزی) خطری برای امنیت خود می‌دانست (محمودی، ۱۳۹۷: <https://www.iess.ir/fa/report/1343>).

بامطالعه و بررسی روابط بین دو قدرت بزرگ جهانی، به این نتیجه می‌رسیم، که این دو کشور با یکدیگر رقابت دارند. حوزه‌های رقابت بین دو کشور متفاوت و وسیع است. افغانستان نیز یکی از کشورهایی است که این دو کشور با یکدیگر رقابت دارند و این کشور میدان رقابتی برای این دو کشور تبدیل شده است.

با روی کار آمدن حکومت امارت اسلامی در افغانستان، از سوی حکومت سرپرست افغانستان در اکثر بیانات مقامات و دست‌گاه سیاست خارجی این کشور، بحث توازن مطرح شد. با اتخاذ سیاست خارجی متوازن امارت اسلامی افغانستان توانسته است از تبدیل شدن به میدان رقابت بین قدرت‌های بزرگ جلوگیری کند. از آن‌جمله می‌توان رقابت بین ایالات متحده و روسیه است، که اتخاذ سیاست خارجی متوازن باعث شده است، امارت اسلامی افغانستان به کشور روسیه به‌عنوان رقیب ایالات

متحده، کاردار سفارتی که وظیفه سرپرستی از سفارت را بر عهده دارد بفرستد؛ هم‌چنین کشور روسیه به افراد معرفی شده از سوی وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان ویزا صادر نموده و دیپلماتان افغانستان به روسیه برای ارائه خدمات به مردم و شهروندان افغانستان اعزام شده اند؛ از سوی دیگر با خروج ایالات متحده آمریکا و متحدانش از افغانستان، نماینده ویژه این کشور برای افغانستان و هم‌چنین سرپرست سفارت این کشور که به دوحه قطر منتقل شده است، با مقامات امارت اسلامی افغانستان رابطه داشته و به صورت مکرر دیدارها و گفت‌وگوهای انجام داده است. این تعامل با هر دو قدرت بزرگ جهانی با اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی افغانستان برقرار شده است.

با اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی افغانستان، کشور هم با ایالات متحده در تعامل بوده و بسیاری از ملاقات‌ها با نماینده این کشور انجام می‌شود. دیدارهایی در دوحه بین نماینده‌گان امارت اسلامی افغانستان و نماینده‌گان ایالات متحده صورت گرفته است و از طرفی افغانستان با روسیه وارد تعامل شده است؛ هرچند روسیه در تلاش است تا فضای خالی عدم حضور نیروهای امریکایی را در افغانستان به نفع خویش متحول کند؛ اما سیاست خارجی متوازن باعث شده است که افغانستان با هر دو طرف وارد تعامل شده و موازنه را در روابط حفظ نماید؛ هم‌چنین روسیه نماینده افغانستان را به عنوان سرپرست سفارت افغانستان در مسکو پذیرفته و در این کشور نماینده‌گان امارت اسلامی برای حفظ منافع افغانستان و ارائه خدمات به شهروندان کشور فعالیت می‌کنند.

۵-۲. تعامل با هند و پاکستان

هند و پاکستان به عنوان دو قدرت هسته‌یی که در منطقه حضور دارند، از زمان استقلال این دو کشور تاکنون با هم رقابت داشته و روابط این دو کشور تنش‌آلود بوده است. روابط این دو کشور که در همسایه‌گی افغانستان قرار دارند و پاکستان با افغانستان نیز مرز مشترک داشته و بر سر برخی مسائل اختلاف دارند، بر روابط بین افغانستان و این دو کشور تأثیرگذار است. این دو کشور هم‌واره تلاش نموده‌اند تا در افغانستان رقابت خود را داشته باشند و سعی در برقراری روابط نزدیک با حکومت‌های افغانستان برای ضربه‌زدن منافع کشور دیگر از طریق افغانستان داشته اند.

هند و پاکستان به دلیل تحولات ناشی از مناقشات سیاسی، امنیتی، مرزی و هسته‌یی از بی‌ثباتی و درگیری مداوم از زمان استقلال باهم روابط خشونت‌آمیز داشته‌اند، که این موضوع رابطه مستقیمی

با مسائل هیدروپلوتیکی کشمیر و جامو، که هر دو طرف ادعای مالکیت آن را دارند می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۹۹: ۸).

موضوعاتی مانند کشمیر، توان هسته‌یی و بازرانده‌گی، تجارت، نقش کنش‌گران بیرونی و غیره، روابط بین هند و پاکستان را غیردوستانه و رقابتی ساخته است (مشفق، ۱۳۹۹: ۴۵)؛ البته برخی از محققان، مسأله ایدئولوژیک را که بین هندوها و مسلمانان است^۱ بر سر تنش بین دو کشور مؤثر می‌دانند.

روابط بین هند و پاکستان دو دوره متفاوت دارد: دوره اول، جنگ و درگیری مستقیم است، که باعث وقوع سه جنگ در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۵، ۱۹۷۱ بین دو کشور شد و دوره دوم، که بعد از هسته‌یی شدن بین دو کشور و دوره بحران؛ سه بحران در این دوره، بحران کارگیل در سال ۱۹۹۹، بحران ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و بحران مواجهه ناتمام در سال ۲۰۰۸ م، که به سمت یک رویاویی تمام‌عیار پیش می‌رفت (ثانی آبادی و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

رقابت بین هند و پاکستان در افغانستان تنها بر محور سیاسی و امنیتی نبوده است؛ این رقابت بر موضوعات دیگری مانند اقتصادی، تجاری، امنیتی نیز گسترش پیدا کرده است.

هند و پاکستان تلاش می‌کنند تا در افغانستان نفوذ پیدا کنند. افغانستان به‌عنوان عمق استراتژی یک پاکستان تعریف شده است. این دو کشور هم‌واره تلاش می‌کنند تا در افغانستان حکومتی هم‌سو با آنان شکل گیرد تا از این طریق بتواند علاوه بر این که در منطقه قدرتی هم‌سو پیدا کند، به اهداف خود برای برتری بر رقیب خود دست پیدا کند. در این راستا هند تلاش کرده است تا روابط خود را با کشورهای آسیای مرکزی نیز گسترش دهد. هند تلاش کرد در بیست سال گذشته با حکومت افغانستان روابط نزدیکی داشته باشد و کمک‌های فراوان مالی به این کشور کرد و در بازسازی افغانستان سهم زیادی گرفت (مشفق، ۱۳۹۹: ۴۴).

همان‌طور که در بالا اشاره شد، هند و پاکستان به‌عنوان دو قدرت هسته‌یی از ابتدای استقلال هم‌واره با یک‌دیگر رقابت داشته‌اند. رقابت بین دو کشور باعث تیره‌گی در روابط بین این دو کشور و هم‌چنین وقوع بحران‌ها و جنگ‌هایی شده است. این دو کشور در افغانستان، که دارای موقعیت استراتژی یک دارد نیز رقابت داشته‌اند و تلاش کردند تا از افغانستان به‌عنوان یک میدان جنگ نیابتی استفاده کنند. در طی بیست سال گذشته هندوستان موفق شده بود در افغانستان نفوذ کند و این نفوذ باعث گسترش روابط بین افغانستان و هندوستان شده بود.

اما با روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان و اتخاذ سیاست خارجی متوازن، باعث حفظ روابط بین دو کشور شده است. امارت اسلامی افغانستان توانسته است به نماینده‌گی‌های دیپلماتیک خود در پاکستان دیپلمات بفرستد و از سوی دیگر با وجود این که تاکنون نماینده‌گان امارت اسلامی به

نماینده‌گی‌های دیپلماتیک افغانستان در هندوستان مستقر نشده است؛ اما اعلام سیاست خارجی متوازن باعث شد تا یک گروه تخنیکی از سفارت هندوستان به کابل آمده و به فعالیت آغاز نمایند. اعلام سیاست خارجی متوازن و داشتن روابط حسنه با کشورهای مختلف، باعث شده است تا توازن در روابط افغانستان و هندوستان حفظ شده و مانع از تبدیل شدن افغانستان به میدان جنگ نیابتی بین دو هند و پاکستان شود.

۵-۳. تعامل با ایران و عربستان

تعاملات و روابط بین دو کشور ایران و عربستان بر تحولات منطقه و کشورها تأثیرگذار است. این دو کشور به‌عنوان دو قدرت منطقه‌یی از دیرباز تاکنون با یکدیگر رقابت دارند. روابط دو کشور را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: قبل از انقلاب ایران و بعد از انقلاب در ایران. این دو کشور با یکدیگر در افغانستان نیز رقابت دارند. رقابت این دو کشور در افغانستان بیش‌تر در حوزه ایدئولوژیک است.

قبل از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، روابط بین دو کشور در چهارچوبی که ایالات متحده آمریکا برای دو کشور تعریف کرده بود قرار داشت و این دو کشور برنامه‌هایی را که ایالات متحده برای گسترش و مقابله با نفوذ شوروی در منطقه داشتند اجرایی می‌کردند؛ اما روابط بین دو کشور خالی از اختلاف نبود و موضوعات مرزی، جزایر سه‌گانه، بازار انرژی، حجاج و حمایت عربستان از جدایی بحرین بر روابط بین دو کشور تأثیر داشت؛ اما پس از انقلاب ایران، روابط بین دو کشور به تنش گرایید و علاوه بر موضوعات فوق موضوعات دیگری مانند جنگ عراق و حمایت عربستان از آن، موضوع انرژی و نفت، موضوعات مذهبی و غیره تنش در روابط بین دو کشور را گسترش داد (شفیعی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ م. روابط بین ایالات متحده و اعراب سرد شد و این خود باعث تقویت روابط بین ایران و عربستان شد؛ اما با روی کار آمدن دولت اصول‌گراها در ایران و وقوع انقلاب و بهار عربی و متهم شدن ایران به حمایت از این انقلاب و حضور نظامی عربستان در بحرین و متهم شدن عربستان به حمایت از ترور رفیق حریری روابط بین دو کشور به سردی گرایید؛ اما باز با آمدن دولت اصلاحات در ایران و اتخاذ سیاست عدم تنش روابط دو کشور به سمت بهبود پیش رفت (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۶: ۶).

به‌طور کلی رقابت بین ایران و عربستان در حوزه‌هایی مانند رقابت ایدئولوژیک (روابط بین ایران و عربستان به فرقه‌گرایی شیعه و سنی نمایان است)، بلوک‌بندی دولت‌ها (ایران و سوریه)، بازدارنده‌گی هسته‌یی (که ایران امکانات کافی برای ساخت بمب اتمی را دارا است و عربستان در

صد خرید بمب اتم می‌باشد)، رقابت تسلیحاتی، نفوذ منطقه‌یی و جنگ‌های نیابتی را که در منطقه بین دو کشور وجود دارد، می‌توان برشمرد (شفیعی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

رقابت بین ایران و عربستان در افغانستان بیش‌تر تمرکز بر حوزه ایدیولوژیک دارد. واردکردن دین در سیاست بعد از انقلاب در ایران رایج شد که به آن ایدیولوژیک‌گرایی نیز گفته می‌شود. ایران و عربستان ادعای ام‌القرای جهان اسلام را دارند. ایران با انقلاب سال ۱۳۵۷ خورشیدی، خود را در مقابل مسلمانان جهان مسؤول می‌داند و عربستان هم با داشتن امکانات مالی و وجود حرمین شریفین، ادعای رهبری جهان اسلام را دارد.

رقابت بین ایران و عربستان سعودی در افغانستان به حدود چهل سال پیش و جنگ‌ها و بی‌ثباتی افغانستان باز می‌گردد. عربستان سعودی یکی از حامیان جهاد مردم افغانستان علیه شوروی است، که عمدتاً احزاب اهل تسنن را در مقابل ایران، که احزاب شیعه را حمایت می‌کرد بود. رقابت بین ایران و عربستان سعودی با شکل‌گیری هلال شیعه توسط ایران در خاورمیانه و نفوذ این کشور در عراق و سوریه تشدید شد و این رقابت باعث توجه بیش‌تر افغانستان به عنوان میدان رقابت بین دو کشور شد. این دو کشور تلاش کردند تا با حکومت‌هایی که در افغانستان روی کار می‌آیند روابط حسنه داشته باشند و آنان را به سوی خود بکشانند و در رقابت پیروز شوند. رقابت بین این دو کشور با حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان ادامه داشته و هر یک در تلاش نزدیکی به سیاسیون در افغانستان و روابط نزدیک با آن‌ها بوده است (اندیشمند، ۱۳۹۵: <https://jawedan.com/1395/10647>).

با بررسی روابط بین ایران و عربستان به این نتیجه می‌رسیم که این دو کشور با یکدیگر روابط دیرینه داشته و در بین این دو کشور بیش‌تر از تعامل و هم‌کاری تنش و خشونت حکم‌فرما بوده است. این دو کشور در منطقه با یکدیگر رقابت داشته و موضوعات مختلفی باعث تنش در روابط بین دو کشور شده است. از جمله موضوعات مورد رقابت بین دو کشور افغانستان می‌باشد، که هم‌واره تلاش کرده اند تا از این کشور به عنوان میدان رقابت خود استفاده کنند.

امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن توانسته است؛ علاوه بر این که با کشور ایران به عنوان یک کشور همسایه و مسلمان که اشتراکات فرهنگی زیادی هم دارد با عربستان سعودی به عنوان یک کشور مسلمان روابط داشته باشد. نماینده‌گان امارت اسلامی افغانستان در نماینده‌گی‌های افغانستان در ایران پذیرفته شده و به ایفای وظیفه می‌پردازند؛ درحالی که نماینده‌گان دیپلماتیک امارت اسلامی از سوی عربستان سعودی نیز پذیرفته شده است؛ بنابراین، سیاست خارجی متوازن باعث شده است افغانستان در روابط خود با کشورهای منطقه‌یی مانند ایران و عربستان که از سال‌های زیادی به این سو از افغانستان به عنوان میدان جنگ‌های رقابتی استفاده می‌کردند توازن را حفظ کرده و مانع از رقابت این دو کشور در افغانستان شوند.

۶. مناقشه

در اثری که تحت عنوان وزارت امور خارجه؛ فعالیت‌ها و دست‌آوردها، توسط مرکز مطالعات استراتژیک نگاشته شده است، به رقابت بین قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی اشاره‌یی نشده است؛ بنابراین، تحقیق حاضر، این مهم را مورد توجه قرار داد. اکثر آثاری که در این مورد به نگارش در آمده است، به تعامل افغانستان با کشورهای مختلف پرداخته است.

۷. نتیجه‌گیری

اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی افغانستان باعث شد، که این کشور با قدرت‌های رقیب منطقه‌یی و جهانی، که با یک‌دیگر رقابت دارند، تعامل و روابط حسنه داشته باشد. از جمله این روابط و تعامل می‌توان به تعامل با روسیه به‌عنوان رقیب ایالات متحده اشاره کرد. این دو قدرت جهانی با یک‌دیگر رقابت دیرینه دارند؛ اما امارت اسلامی موفق شده است که هم به روسیه دیپلمات بفرستد و هم با نماینده‌گان ایالات متحده در دوحه قطر و سایر کشورها نشست‌هایی داشته باشد. امارت اسلامی توانسته است هم با هند و هم با پاکستان به‌عنوان دو رقیب روابط داشته باشد و توازن را در سیاست خارجی حفظ نماید و یا این‌که با عربستان و ایران به‌عنوان دو قدرت منطقه‌یی و رقیب روابط و تعامل داشته باشد؛ در نتیجه اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی افغانستان در دیپلماسی دوجانبه این کشور موفق بوده است.

پیش‌نهاد

- اتخاذ سیاست خارجی متوازن تاکنون از سوی امارت اسلامی افغانستان موفق بوده است و باید تداوم یابد؛
- در مورد رقابت قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی با یک‌دیگر به‌صورت دقیق و مشرح آثاری نگارش شود، تا کاستی و نقاط ضعف و قوت در روابط با کشورها شناسایی و رفع گردد.

ORCID

Kake Tajik Mohammadi



<https://orcid.org/0009-0002-8579-5991>

سرچشمه‌ها

۱. آخذزاده، هیبت‌الله. (الف ۱۴۰۱). «د نیکمرغه لوی اختر د را رسیدو په مناسبت د عالیقدر امیرالمومنین شیخ الحدیث مولوی هیبت‌الله آخذزاده د مبارکی پیغام». متن ارسالی دفتر ریاست‌الوزرا به اداره‌های دولتی.

۲. آخذزاده، هیبت‌الله. (ب ۱۴۰۱). «پیام تبریکی عالیقدر امیرالمومنین شیخ الحدیث مولوی هیبت‌الله آخذزاده به مناسبت عید سعید فطر». متن ارسالی دفتر ریاست‌الوزرا به اداره‌های دولتی.
۳. اردستانی، احمد بخشایش. (۱۳۹۲). «رویکرد سیاست خارجی روسیه از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱». ایران: پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل. صص ۹-۳۵.
۴. اندیشمند، محمد اکرام. (۱۳۹۵). «بازی ایران و عربستان در زمین افغانستان». دست‌رسی در <<https://jawedan.com/1395/10647>>. (۱۴۰۱/۹/۲۰).
۵. ثانی آبادی، الهام؛ عطار، سعید و زهرا ماوندادی. (۱۳۹۹). «بررسی منازعه هند و پاکستان براساس نظریه بازدارنده‌گی هسته‌ای والتز». ایران: دوفصل‌نامه سیاست و روابط بین‌الملل. دوره سوم. شماره پنجم. صص ۱۰۳-۷۷.
۶. جاویدی، رقیه؛ بهروزی لک، غلام‌رضا. (۱۳۹۶). «سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان». ایران: فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شماره سی‌ودوم. صص ۱-۳۰.
۷. جعفری ولدانی، اصغر؛ جهان‌بخش، محمدتقی. (۱۳۹۶). «رویکردهای رقابت‌جویانه عربستان سعودی در افغانستان». فصل‌نامه روابط خارجی. سال نهم. شماره سوم. صص ۹۹-۱۲۸.
۸. روشن، امیر؛ فرجی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «روابط هند و چین». فصل‌نامه روابط خارجی. سال نهم. شماره دوم. صص ۲۲۳-۲۵۸.
۹. ستانکزی، شیرمحمدعباس. (۱۴۰۱). «مصاحبه با شیرمحمدعباس ستانکزی، معین سیاسی وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان». دست‌رانی‌یکو مطالعات ژورنال. ۵۳-۵۴. صص ۱۵۷-۱۶۹.
۱۰. سجادی، سیدلطیف. (۱۴۰۰). «تنش امریکا - روسیه و تأثیر آن بر روند صلح افغانستان». دست‌رسی در: <http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=155995>.
۱۱. شفیعی، نودز؛ قنبری، فرهاد. (۱۳۹۶). «تبیین روابط ایران عربستان در چهارچوب مفهومی جنگ سرد». ایران: فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شماره سی‌ویکم. صص ۱۱۷-۱۴۰.

۱۲. عسکری، حسن. (۱۳۸۳). «رقابت و هم‌کاری نظامی روسیه و امریکا در گرجستان». ایران: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال سیزدهم. دوره چهارم، شماره ۴۸. صص ۲۵۹-۲۸۸.
۱۳. عطایی فرهاد؛ تفتیان، فاطمه. (۱۳۹۳). «قدرت‌یابی دوباره روسیه در نظام بین‌الملل و افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه». ایران: فصلنامه سیاست. دوره ۴۴. شماره دوم. صص ۲۹۱-۳۱۲.
۱۴. «گزارش سفر و ملاقات مقامات امارت اسلامی با مقامات کشورهای آسیای میانه، چین، روسیه، اوکراین و آذربایجان». ریاست سوم سیاسی ۱۳/۱۱/۱۴۴۳.
۱۵. «گزارش سفر و ملاقات مقامات امارت اسلامی با مقامات کشورهای ایران، ترکیه، شرق میانه و آفریقا». ریاست دوم سیاسی. ۹/۱۱/۱۴۴۳.
۱۶. کاظمی، مریم وریج. (۱۳۹۹). «تحلیلی بر بی‌ثباتی هند و پاکستان متأثر از رقابت هیدروپلیتیکی». ایران: فصلنامه پژوهش ملل. دوره ششم. شماره ۶۲. صص ۷-۲۷.
۱۷. کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۰). «معامله بزرگ در روابط امریکا و روسیه دوره مدودوف، اوباما». ایران: فصلنامه مطالعات جهان اسلام. دوره اول. صص ۱۰۰، ۷۱.
۱۸. محمودی، زهرا. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر تنش‌های امریکا و روسیه بر افغانستان». دست‌رسی در: (۲۲/۱۰/۱۴۰۱). <<https://www.iess.ir/fa/report/1343>>.
۱۹. مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه. (۱۴۰۱). وزارت امور خارجه؛ فعالیت‌ها و دست‌آوردهای یک‌ساله. کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.
۲۰. مشفق، زهرا. (۱۳۹۹). «بررسی عوامل تعیین‌کننده ماهیت رقابت هند و پاکستان». ایران: مجله تدبیر اقتصاد. صص ۳۹-۴۶.